



آمریکا و هم دست نشان سلب نموده. در جهان امروز بیش از ۸۰ کشور غیر متعهد وجود دارند که با برخورداری از پشتیبانی کشورهای سو سیالیستی علیه امپریالیسم، استعمار و نژاد پرستی، در راه الغای پیمانهای نظامی و ایجاد سیستم های امنیت جمعی، خلع سلاح، تحنیم عسلج و همکاری مبارزه میکنند. در پرتو این واقعیت ها آشکار میشود که رژیم دیکتاتوری شاه با مجموع سیاست ضد ملی و ماجراجویانه اش با روند و روح زمان در تضاد عمیق قرار گرفته و در ریدین رژیم بیگانه، لون نول ها، کانتون ها، فرانسوها، پینوشه ها و دیگر مرتجعین افراطی در رژیم های فاشیستی نیز با دارنده برهه شاه میباید یک دقیقه بخود اجاز ندهد در باره حیات آمریکا تردید

یک شرط بسیار مهم برای رشدن و پابین بند وجود ندارد که آن هم وحدت عمل و همکاری مخالفان دیکتاتوری است؛ که در نتیجه، شرایط موجود بلا استفاده نماند. اسف انگیز ترین حال ایست که اکثریت مخالفان دیکتاتوری دشمن مشترک را عملا به هدفت درجه دوم مبدل نمود و به عنوان بجان یکدیگر افتاده اند و متقابلا قوای یکدیگر را بیدر می دهند. رژیم شاه و زمان امنیت او بوسیله عوامل مرئی و نامرئی خود برای ادامه این ترغیب و تشدید تصادم در میان مخالفان با تمام قوا در تکت و تازند.

در زمانی که ۲۴ سال سیاه از کودتای نئو ناسی ۲۸ مرداد میگذرد، سایه شوم و سیاه پرکندگی و ترغیب همچنان بر نیروهای مبارز و سکنی میکند و در مقابل ما از اتحاد و متحد زمانه با در دست داشتن سازمان مترکز ترور و اخترا و اماتانات مالی و فنی بی حد و مرز قرار دارد و برای طولانی تر کردن دوران سلطه دشمن و حوین خود و قیامته و بویذیانه، آنچه آن که در خور است، از این اختلافات در جبهه مخالفان خود بهره گیری میکند. و در سخا که در طول این ۲۴ سال، حتی رسیدن آن لحظه سعیدی که هر میهن پرست و اقمسی باید فرا رسیدن آن به زندگی و مبارزه ادامه میداد، لخصه ای که جامعه ما در آستان یک وضع انقلابی قرار داشت و طوفان انقلاب بفرست تا این کینه بساط ضلعم و بیدادگری را در هم بچوید، ولی در آنستاد نیز ترغیب و پرکندگی حاد به ارتجاع فرصت داد تا "انقلاب سفید" شرا به مردم مسا تحمیل کند. اما آیا حاصل ما از این گذشته عبرت آور تنها این است که قلب حوریت بدندان نهیده و به انوس و دین بستمده کیم؟ نه هرگز! باید از شکست ها و تالامها آموخت و آموخته را بکار بست.

واشون پس از ۱۵ سال بار دیگر ما شاهد نزدیک شدن همان لحظه آن هستیم که بقول لنین، "آموزگار دینار زمینکنان جهان، خود مت شوندگان نخواهند مانند شد زندگی کنند و حکومت کنندگان مانند شد کنند فراترولی کرده و کشور را اداره کنند" لحظه ای که دیکتاتوری فاشیستی شاه به بن بست رسیده و تا زمانی از سونی و امید به فدای آزادی از سونی دینار، اقتضای طبیعی از مرد را به جنبش آورده و به عرصه مبارزه برای تاملین نیازهای مادی و فرهنگی خود میبنداند. گذشته تا یک با آموخته است که تا هنگامی که مبارزان با این پرکندگی را بدو میبندند، در برابر دشمنی چنین حیلته کر و جنایتکار نمیتوان امید به پیروزی داشت. کوشش راه ایجاد یک "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" وظیفه هر مبارز راستین راه آزادی است. از آنجائی که نبرد نهائی معن استیسی زود تر از آنچه تصور رود در شرایط پرانندگی

بر مبارزان جمع آوری شود، باید بدون لحظه ای تردید به جمع آوری و سپس هر چه وسیعتر نیروها برداخت و همه نیروها را در یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری "تشدید ساخت"، چرا که از مجموع این نیروها امکانی به مراتب وسیعتر پیدا خواهد شد که میتواند، "آموزش یابد او در هر حال بطور نسبی در کو تا هترین فرصت رژیم استیاد ذی را از پای در آورد" و شرایط لازم را برای رشد عادی جامعه ایران بو جود آورد. بین شک جنبش ترغیبخواه ایران بین از آن از پرکندگی و ترغیب رنج برده است که بتواند نسبت به شعار "ایجاد جبهه واحد ضد دیکتاتوری" بی تفاوت بماند و به همین جهت وظیفه همه نیروهای میهن پرست و آزاد بخانه و تیزه کمونیست ها که پیچیده ترین میهن پرستان و آزاد خواهانند تلاش همه جانبه در جهت تشکیل چنین جبهه ای میباشد.

بنظر ما برای شرکت در چنین جبهه های تنها و تنها یک شرط ضروری و کافیست، و آن عبارتست از آمادگی برای مبارزه فعال در راه اهدای مشترک جبهه، ولی ما در عین حال بر آسیم که پذیرش این شرط و پیروی از آن هیچ وجه بان معنی نیست که شرکت کنندگان در چنین "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" یک قدم از مواضع اصولی و هدف گیری های سیاسی در از ماست و کوتاه مدت خویش مجبوراً نباید عقب نشینی کنند و یاد را از پایی غای اجتماعی خود تجدید نظر نمایند و یا اینکه بخواهند هدف های سیاسی و یا شیوه های مبارزه خود را به دیگر شرکت کنندگان تحمیل نمایند. بنظر ما جبهه واحد تنها به منزله چارچوبی است برای دردم آوردن متوافق نیروها و یادیون شرکت کنند در آن و بکار انداختن متوافق این نیروها در لحظه، محل و سمت گیری مشخص، برای بدست آوردن بالاترین نتیجه ممکن آنچه که سر است تنها وحدت عمل این نیروها برای یک هدف واحد، با حفظ استقلال شخصیت و نظریات خود بوده و برای جلوگیری از هرگونه اقدام فردی و مخالف مصالح عمومی جبهه، حصر نیروی شرکت کنند حق انتقاد به سایر شرکت کنندگان را حفظ خواهد کرد. رهبری جبهه به صورت تسلسلی است، از کلیه نمایندگان نیروهای شرکت کنند در جبهه بوده و هیچ نیروی نمی تواند به تنهایی دعوی رهبری جبهه را داشته باشد، و در نتیجه صرف شرکت هر نیروی در جبهه او را محق خواهد ساخت، چو شعار محو کرد جبهه از بدی ماه خویشی، در اربانهای رسمی جبهه مبارزه خویش را بحدس سازد. روشن است که در هر چه، سازمان، گروه یا شخصیتی، شخص رهبری سیاسی نیروهای تحت هدایت خویش را به عهده خواهد داشت و می تواند برای اکثریت سازمان خود فعالانه به تبلیغ و ترویج ایدئولوژی و مرام خود بپردازد. ایجاد جبهه واحد ضد دیکتاتوری "هدف های مشخص و معینی را در برابر نیروهای شرکت کننده در این جبهه قرار میدهد که عبارتند از:

سرنگونی رژیم دیکتاتوری فاشیستی و تشکیل شاه را تأیید نمیداند که "این دولت يك دولت است" "اتحاد ملی" است؛ و "یا روزنامه" "کیهان" ۲۴ مرداد ۱۳۵۶. آنهی تیریک نیز را از سوی د و تسن ساز مراد بیدار بزرگ معروف ایران خطاب بسه خورشده میجویم:

"جناب آقای ناظم حسرو شاهی - سالها بود که شیخ بازرگان مملکت آرزو داشت با زرنسانی تحصیل کرده و صاحب تجربه که به مشکلات این طبقه لاسی دارد، در راس وزارت بازرگانی قرار گیرد؛ اینکه به این آرزو بدین مرحله عمل در آمده، این انتخاب بی نظیر را به طبقه صاحب صنعت مملکت تبریک گفتند از این جهت توانا موفیق روز افزون شما را در رکب به شاه و دولت خود میگویم."

"در ترمین محمد طاهری - رضا حجازی نامه از زم پند دراست به تحقیر پایتبه جدید علا و بر

شاه را تأیید نمیداند که "این دولت يك دولت است" "اتحاد ملی" است؛ و "یا روزنامه" "کیهان" ۲۴ مرداد ۱۳۵۶. آنهی تیریک نیز را از سوی د و تسن ساز مراد بیدار بزرگ معروف ایران خطاب بسه خورشده میجویم:

"جناب آقای ناظم حسرو شاهی - سالها بود که شیخ بازرگان مملکت آرزو داشت با زرنسانی تحصیل کرده و صاحب تجربه که به مشکلات این طبقه لاسی دارد، در راس وزارت بازرگانی قرار گیرد؛ اینکه به این آرزو بدین مرحله عمل در آمده، این انتخاب بی نظیر را به طبقه صاحب صنعت مملکت تبریک گفتند از این جهت توانا موفیق روز افزون شما را در رکب به شاه و دولت خود میگویم."

"در ترمین محمد طاهری - رضا حجازی نامه از زم پند دراست به تحقیر پایتبه جدید علا و بر

دولت موقتی که بتواند به خواسته های غیر متحقق بخشد

- ۱- تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور
- ۲- تأمین آزادی بی قیودی (مکراتیک) (آزادی بیان، قلم، اندیشه، سخن، اجتماعات، حزب)
- ۳- انحلال سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) و تحقیق قانونی اعمال جنایتکاران
- ۴- تجدید اختیارات دادگاههای نظامی به جرائم "صرفاً" نظامی
- ۵- آزادی کلیه زندانیان سیاسی

۱- برگزاری انتخابات آزاد، و واگذاری قدرت به نمایندگان منتخب مردم

بدیهی است که اهداف فوق، برنامه پیشنهادی ما برای "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" بوده و برنامه خاصی چنین جبهه ای در جریان نرد هم آئی و تبادل نظرات نیروهای شرکت کننده معین خواهد کردید.

هر میهن پرست واقعی که در متن جهان خورشان امروز، ایران تحقیر شده و سرنگون گشته ما را اسیر نکند دیکتاتوری می بیند، نمی تواند متأثر و متالم نشود. حتی در اعماق جنگلهای آفریقا که ناد بیروز قاره برکان نامیده می شد، خلق خائبا خاسته اند. استعمارگران را رانده و بزنج و مگراسی و حتی سو سیالیسم را برافراشته اند، ولی نیروهای ملی و دمکراتیک ایران، که هفتاد سال قبل یکی از پیشگامان بیداری آسیا بودند هنوز نتوانسته اند نخستین گام را در راه رهایی میهن خویش بردارند. در یک چنین شرایطی است که اعلام میداریم:

همکاری نیروهای ضد دیکتاتوری در ریک "جبهه واحد" با هدف های فوق شرط ضروری برای پیشرفت و پیروزی جنبش ضد استبداد در میهن ماست، و هر نیرویی که دانسته یا ندانسته با تشکیل چنین جبهه ای مخالفت ورزد، خواسته یا بخواسته، به ابقای رژیم دیکتاتوری فاشیستی کمک رسانیده و علیه منافع حقیقی خلق اقدام کرده است.

و در اینجا، بازم یادآوری می نمائیم که کمونیست ها به عنوان پیگیرترین نیروهای آزادی خواه و میهن پرست، خواه از مصالح آنسی خواه از انحلال منافعی ملی و دمکراتیک و نیز سو سیالیستی پولتریا، و ضیفه دارند که در راه تشکیل و ایجاد این جبهه، تمام سعی خود را بکار بندند. و یادآوری می نمائیم گفته داهیان لنین کبیر را، که:

"کسی که بخواهد از راه دیگری سوی دمکراتیسم سیاسی به سوی سوسیالیسم برود، ساما چه از لحاظ اقتصادی و وجه از لحاظ سیاسی به نتایج بی معنی و مرجعانه ای خواهد رسید"

هر چه بردمانه تریا کوشش نیروهای ترغیبخواه ایران در راه ایجاد "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" گروه منشعب از "سازمان چریک های فدائی خلق"

هدف فوق الذکر اهداف دوگانه دیگری را نیز در نیال میگرد:

از یک طرف رژیم تحت فشار نارضایی های مدید در جامعه و ترس از جنبش خود ها، به همراهی رنجناک های تبلیغاتی و یا به سرایی ها بی محتوی درباره آزادی و دمکراسی، مجبوسه بازی با مهربانهای چون آموزگار و هویدا میشود و به عین بی پندار که با این خیمه شب بازیها و تخمیر چهره ها میتواند خود را در مار فریفته چند صباحی بیشتر به حیات نشین خود ادامه دهد. و از سوی دیگر در حالی که عدم توانایی خود را در رحنای از بحران اقتصادی که کربان شیر شده به نبوت رسانیده است، می پندار با وارد کردن عیدای تکنوکرات با تاند امین، آگناه و بیگانه و با استناد از مدیریت پید رفته بورژوازی به این تا سامانها با پایان دهد.